



تبار و نشان شناسی  
سواران ساسانی  
در نقش برجسته  
فیروزآباد



نوشته رضا کلانی  
با درآمدی از  
میرزا محمد حسنی

تبار و نشان شناسی سواران ساسانی در نقش برجسته فیروزآباد

رضا کلانی

با دآمدی از میرزا محمد حسنی

|                     |   |                                                                                                        |
|---------------------|---|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : | کلانی، رضا، ۱۳۶۱                                                                                       |
| عنوان و نام پدیدآور | : | تبار و نشان شناسی سواران ساسانی در نقش برجسته فیروزآباد/ نوشته رضا کلانی، با درآمدی از میرزا محمد حسنی |
| مشخصات نشر          | : | تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۶                                                                                |
| مشخصات ظاهری        | : | ۱۲۰ ص.                                                                                                 |
| شابک                | : | ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۱۰-۹                                                                                      |
| وضعیت فهرست‌ویسی    | : | فیا                                                                                                    |
| موضوع               | : | نقش‌های برجسته ساسانی - ایران - فیروزآباد - اسب سواران                                                 |
| شناسه افزوده        | : | حسنی، میرزا محمد ۱۳۵۳                                                                                  |
| رده بندی کنگره      | : | ۱۳۸۰NB / ۵۸۲ ت ۱۳۹۶                                                                                    |
| رده بندی دیویی      | : | ۷۳۱/۵۴۹۵۵                                                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۵۰۱۸۵۶۶                                                                                                |



تبار و نشان شناسی سواران ساسانی در نقش برجسته فیروزآباد، رضا کلانی  
با درآمدی از میرزا محمد حسنی

پدیدآورنده: رضا کلانی

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت، موسسه و انتشارات ندای تاریخ

طراح جلد: مریم کاشف نیا

چاپ اول ۱۳۹۶

تیراژ ۱۰۰۰

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۱۰-۹

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است

## فهرست مطالب

|            |                                                                                                                     |
|------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱.....     | سخنی با خواننده.....                                                                                                |
| ۳.....     | درآمدی بر تاریخچه مطالعات نقش برجسته‌های ساسانی.....                                                                |
| ۱۹.....    | کتابنامه درآمد.....                                                                                                 |
| ۲۳.....    | تبار و نشان‌شناسی سواران ساسانی در نقش برجسته فیروزآباد.....                                                        |
| ۲۵.....    | ۱- پایه تئوریک پژوهش: امکان وجود مفهوم نشان‌شناسانه در ایران باستان.....                                            |
| ۳۱.....    | ۲- ترتیب‌بندی سواران در نقش برجسته فیروزآباد ۱ در پژوهش حاضر.....                                                   |
| ۳۳.....    | ۳- پیش از ورود به بحث: «مگس پران» یا «نماد برکت»؟.....                                                              |
| ۳۵.....    | ۴- هویت سوار سوم.....                                                                                               |
| ۴-۱.....   | اگر نشان سوار سوم یک گل باشد: بررسی احتمالات برای «نام- نشان» بودن آن.....                                          |
| ۳۵.....    | .....                                                                                                               |
| ۴-۲.....   | بررسی شواهد برای نماینده‌ی خاندان سورن.....                                                                         |
| ۴-۳.....   | بررسی شواهد برای نماینده‌ی خاندان کارن.....                                                                         |
| ۴-۴.....   | بررسی شواهد برای ابرسام.....                                                                                        |
| ۴-۴-۱..... | مسئله‌ی اختگی ابرسام.....                                                                                           |
| ۵۰.....    | .....                                                                                                               |
| ۵۲.....    | ۵- سکه جانشینی.....                                                                                                 |
| ۵۳.....    | ۱- بررسی شواهد برای نماینده خاندان سورن.....                                                                        |
| ۵۴.....    | ۲- بررسی شواهد برای شاپور اول و ابرسام و پی‌آیند بحث در تعیین هویت سوار دوم به کمک تحلیل دیداری از آرایه دیهیم..... |
| ۵۴-۱.....  | ۱- ۵- شواهدی که شاپور یا ابرسام بودن شخص مقابل شاه در سکه‌ی جانشینی را به چالش می‌کشند.....                         |
| ۶۳.....    | .....                                                                                                               |
| ۶۵.....    | ۶- نقش آرایه دیهیم در تعیین هویت سواران.....                                                                        |
| ۶۹.....    | ۷- تعیین تبار و هویت سوار دوم بر اساس بازیینی فرضیه‌ی هرتسفلد.....                                                  |
| ۸۱.....    | ۸- جنگ سواره هر مزد دوم با سواری با نشان غنچه.....                                                                  |

|          |                                                                       |
|----------|-----------------------------------------------------------------------|
| ۸۴.....  | ۱- ۸ بررسی شواهد برای نماینده خاندان سوزن                             |
| ۸۶.....  | ۲- ۸ اگر نسلی از ابرسام باقی مانده بود: بررسی شواهد برای نواده ابرسام |
| ۸۹.....  | ۹- نتایج                                                              |
| ۹۳.....  | منابع و مآخذ و مقالات (فارسی و عربی)                                  |
| ۹۷.....  | منابع انگلیسی و زبان های دیگر                                         |
| ۱۰۳..... | تصاویر                                                                |
| ۱۱۷..... | نمایه                                                                 |

## سخنی با خواننده

پژوهش حاضر در زمستان سال ۱۳۹۴ ش تکمیل و به صورت رساله در دو نسخه فارسی و انگلیسی آماده شد. نسخه فارسی آن در دوفصلنامه مطالعات باستان‌شناسی (نیمه اول ۱۳۹۶ ش) منتشر شد و نسخه انگلیسی آن به صورت کتابچه‌ای روی اینترنت منتشر شد. نسخه فارسی بنابر معیارهای انتشار دوفصلنامه مطالعات باستان‌شناسی بسیار خلاصه و تقریباً به کمتر از نصف متن موجود در کتاب حاضر کاهش یافت و بسیاری از مطالب آن حذف شد.

نکته‌ای که باید پیش آغاز مطالعه پژوهش حاضر در نظر داشت آن است که به غیر از شخص شاه هویت دیگر افراد حاضر در نقش‌برجسته‌های ساسانیان تقریباً همواره محل مناقشه بوده است. پژوهش حاضر یکی از این مناقشات را درباره هویت دو سوار ساسانی حاضر در نقش‌برجسته فیروزآباد ۱، و به تبع آن در دیگر نقش‌برجسته‌های اردشیر یکم دنبال می‌کند. تلاش شد تا با مبنا قرار دادن «مفهوم نشان‌شناسانه» (heraldic concept) نوری تازه بر تیرگی مباحث تبارشناسانه‌ی ساسانیان متقدم افکنده شود. برزش اخیر، تا آنجا که در بضاعت علمی نگارنده بود، به یاری متون تاریخی (اکثراً منابع عربی)، شواهد سکه‌شناختی، و تحلیل‌های دیداری از آرایه‌های احتمالاً مرتبط با رتبه‌ی اشخاص صورت گرفت. هرچند، در پاره‌ای مواضع نگارنده به رغم میل باطنی خود و به سبب قلت یا اصلاً ناموجود بودن شواهد تاریخی ناگزیر از حدس زدن برای وقایع تاریخی شد. فرض اساسی این پژوهش یکی بسیار وامدار بودن ساسانیان متقدم به اشکانیان متأخر در جوانب متعدد سیاسی و فرهنگی بوده، و دیگری وجود نوعی سامانه نشان‌شناسانه در دو دوره‌ی پیش‌گفته است.<sup>۱</sup>

---

۱. بدین وسیله مراتب سپاس‌گزاری خود را از سرکار خانم دکتر مهرناز بهروزی که مرا به انجام این پژوهش ترغیب کردند اعلام می‌دارم.

## درآمدی بر تاریخچه مطالعات نقش برجسته‌های ساسانی

نقش برجسته‌های برجای مانده از عصر ساسانی (۶۵۱ - ۲۲۴ م) چنانکه کلاوس شیپمان اشاره کرده است «قابل رؤیت‌ترین اسناد هنری» این سلسله هستند.<sup>۱</sup> این اشاره‌ای واقع‌بینانه است، اگر نقوش برجسته این دوره را یک جزء (البته جزئی بزرگ) از کل آثار هنری برجای مانده از عصر ساسانی در نظر گیریم، بی‌شک این نقوش بزرگترین، قابل رؤیت‌ترین، پرجزئیات‌ترین، مهم‌ترین، و بحث برانگیزترین آثار هنری دوره یاد شده هستند. این بخش پر اهمیت از هنر ساسانی با توجه به مکان‌هایی که نقوش یاد شده در آنها ایجاد شده‌اند، که اکثراً در نزدیکی شاهراه‌ها و رودها و آبگیرهای مهم بوده‌اند، مورد توجه مورخان، جغرافی‌نویسان، و سیاحان مسلمان قرار گرفته بودند.

قدیمی‌ترین متون جغرافیایی اسلامی مربوط به سده سوم هجری قمری (نهم میلادی) است. این متون اطلاعات دقیق و حائز اهمیتی درباره شهرها و روستاهای مختلف، راه‌ها، اقوام، و محصولات و تولیدات هر منطقه دارد. اما اطلاعات مندرج در این متون در خصوص نقوش برجسته‌ای که در معرض دید قرار داشته‌اند به طور کلی کوتاه، گذرا و فاقد نکات دقیق و مهم در شناخت بهتر این آثار است. به نظر می‌رسد برخی از نویسندگان سده یاد شده آثار را بدون مشاهده مستقیم توصیف کرده‌اند، یا احیاناً اگر مشاهده‌ای از نزدیک هم صورت گرفته باشد، نویسنده در توصیف و شرح جزئیات این آثار بسیار ضعیف عمل کرده و فقط به کلی‌گویی اکتفا کرده است. شاید دلیل این امر را در هدف اصلی تألیف این آثار باید جستجو کرد. چرا که متون

---

۱. شیپمان، کلاوس، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه: هوشنگ صادقی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶.

جغرافیایی تألیف شده در سده سوم هجری عمدتاً برای خلفای عباسی نوشته شده و هدف از چنین گزارش‌هایی بازنمایی گستره قلمرو خلافت، وضعیت مرزها، محصولات هر منطقه برای خراج و بازتاب وضعیت دینی بوده است.<sup>۱</sup> برخلاف متون سده سوم، در قرن چهارم هجری با آغاز به سفر برخی از سیاحان نوشته‌های این جغرافی‌نویسان دارای تنوع مطلب بیشتری شد.<sup>۲</sup>

قابل ذکر است این توضیحات مختصر فقط مختص آثار و نقوش برجسته ساسانی نیست؛ جغرافی‌نویسان مذکور بدون شناخت تاریخی از هویت هخامنشیان آثار برجای مانده از این سلسله باستانی را ساده‌انگارانه توصیف کرده‌اند. به عنوان مثال نقوش داریوش یکم هخامنشی در بیستون به معلم مکتب‌خانه‌ای که در حال تنبیه شاگردان خود است، یا نقش جمعی از دراویش، یا نقش آشپزی با کفچه‌ای به دست توصیف کرده‌اند.<sup>۳</sup> ولی با وجود اینکه توصیفات مکتوب در آثار اسلامی عمدتاً اشاراتی گذرا هستند، همین اشارات کوتاه گاه دربردارنده نکات مهمی است. برای نمونه در کتاب مسالک‌الممالک اصطخری که در حدود سال ۳۳۰ ق/۹۴۱ م تألیف شد، اشاره شده مراقبت از نقوش بیشاپور بر عهده قومی خاص بود.<sup>۴</sup> شواتس می‌نویسد که این وظیفه به مردمی که در حصن‌الجص از ولایت ارجان

۱. برای نمونه کتاب مسالک‌الممالک ابن خردادبه برای خلیفه عباسی معتمد (۲۵۶-۲۷۹ ق) نوشته شد.

۲. مثلاً مقدسی در سده چهارم هجری در کتاب خود به نام احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم توصیفات خوب و قابل قبولی از آثار تاریخی ارائه کرده است.

۳. جلیلیان، شهرام، قدیمی‌ترین توصیفات سنگ‌نگاره بیستون در متون جغرافیایی و سفرنامه‌های دوره اسلامی، مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان، پاییز و زمستان، شماره ۵، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۷۸.

۴. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک‌الممالک، ترجمه: محمد بن اسد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات افشار یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۱.

سکونت داشتند واگذار شده بود.<sup>۱</sup> یا در موردی دیگر می‌توان به اشارات پراکنده از وجود نقوش برجسته در نواحی مختلف ایران، آن هم در متون تاریخی و جغرافیایی اشاره کرد. اما برخی از نقوش مورد اشاره یا هنوز کشف و معرفی نشده‌اند یا در گذر زمان از میان رفته‌اند. مثلاً ابن فقیه همدانی به نقوشی از ماهی و گاو در نهاوند اشاره کرده است.<sup>۲</sup> این گزارش مورد تأیید دیگر سیاح مسلمان ابودلف مسعرین مهلهل (۳۰-۳۲۹ق/۹۴۰م) نیز قرار گرفته است.<sup>۳</sup> قزوینی (قرن ۷ق) نیز در کتاب خود به نقش اسبی در قریه لیخواست نهاوند اشاره کرده است.<sup>۴</sup>

بررسی و معرفی نقوش برجسته دوره ساسانی با ورود سیاحان غربی در عصر صفویه رونق زیادی یافت. این سیاحان در سفرنامه‌های خود برخلاف توصیفات مختصر متون اسلامی با دقتی زیاد به بازنمایی جزئیات نقوش پرداخته‌اند. روند بررسی این نقوش در سفرنامه‌های غربیان تا پایان زمانه قاجارها ادامه یافت. ویژگی‌های مطالعات یاد شده عبارتند از:

۱. توصیف دقیق.
۲. معرفی مکان نقش برجسته
۳. طرح فرضیاتی درباره دوره تاریخی نقش‌ها:

---

۱. شواتس، پاول، جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۷۱؛ حسنی، میرزا محمد، نقش برجسته‌های نویافته ساسانی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۳، ص ۹۷.

۲. همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، ترجمه مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران، ترجمه: ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۸۹.

۳. ابودلف مسعرین مهلهل، سفرنامه ابودلف در ایران، ترجمه: سید ابوالفضل طباطبایی، تهران، زوار، ۱۳۵۴، ص ۶۹ و ۷۰.

۴. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد (جلد دوم)، ترجمه: محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاهمرادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۴۵.

اهمیت این مورد زمانی بارز می‌شود که به عنوان مثال فرصت‌الدوله شیرازی در کتاب «آثار عجم» نقوش شاپور یکم در شهر داراب را به داراب‌شاه کیانی منتسب می‌کند.<sup>۱</sup> این امر بیانگر ناآگاهی ایرانیان از هویت واقعی پدیدآورندگان نقوش بوده است. همان نویسنده در ادامه کتاب به نقل از سفرنامه سیاحی انگلیسی می‌آورد این نقش متعلق به شاپور یکم و جنگ او با امپراتور روم است.<sup>۲</sup>

۴. اقدام به بیرون کشیدن نقوش از زیر خاک:

فلاندن فرانسوی در سفرنامه خود اشاره می‌کند توسط گروهی از کارگرانی که از روستای حسین‌آباد استخدام کرده بود از روی برخی از نقوش نقش رستم مرودشت خاکبرداری کرده است. این کارگران انبوه خاکی که نقوش را پوشانده بود برداشتند.<sup>۳</sup> یا هیأت آندرناس و استولز در قرن نوزدهم میلادی اقدام به تخریب راه‌آب سنگ و ساروجی از مقابل نقش بهرام یکم در تنگ چوگان (بیشاپور) کردند.<sup>۴</sup>

۵. بدون شک مهمترین ویژگی مطالعات سیاحان غربی تهیه

۱. فرصت شیرازی، محمد نصیر، آثار عجم (جلد اول)، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸.

۲. فرصت شیرازی، آثار عجم، ص ۱۵۸ و ۳۹۵، همچنین فرصت شیرازی نقش اردشیر بابکان در نقش رجب را به نقل از سفرنامه سیاحی فرانسوی، و نقش شاپور یکم و بهرام دوم در نقش رستم مرودشت را به نقل از سفرنامه یک نفر انگلیسی (بدون ذکر نام سیاح) تعیین هویت می‌کند (همان، ص ۳۹۹).

۳. فلاندن، اوژن، سفرنامه فلاندن، ترجمه: نور صادقی، بی‌جا، چاپخانه روزنامه نقش جهان، ۱۳۲۴، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

۴. گیرشمن، رومن، بیشاپور (جلد اول)، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸، یادداشت ۱۵؛ حسنی، نقش برجسته‌های نویافته ساسانی، ص ۹۸ و ۹۹.

و ترسیم نقاشی‌های متعدد از نقوش بوده است.

این نقاشی‌ها عمدتاً قبل از اختراع یا قبل از رواج استفاده از دوربین عکاسی در ایران ترسیم شده‌اند. اهمیت این نقاشی‌ها بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست. به عنوان مثال طراحی‌های پاسکال کوست، همسفر فرانسوی اوژن فلاندن، در اوایل دوره قاجار نمونه بارزی از دقت نظر نقاش در ترسیم جزئیات نقش برجسته‌ها است. اهمیت این نقاشی‌ها زمانی دو چندان می‌شود که آنها تنها سند تصویری بر جای مانده از برخی نقوش تخریب شده باشند. به عنوان مثال از نقش برجسته شهرری که در زمانه‌ی حکمرانی فتحعلی شاه برای ایجاد نقش برجسته‌ای از این پادشاه تخریب شد، تنها چند طراحی توسط غریبانی که این اثر را قبل از تخریب دیده‌اند بر جای مانده است.<sup>۱</sup> نخستین ایرانی که در دوره قاجار در کتاب خود علاوه بر توصیف و بررسی دقیق آثار تاریخی نقاشی این آثار را نیز ترسیم کرد، فرصت‌الدوله شیرازی است. این مورخ در کتاب آثار عجم نقاشی‌های بسیاری از نقوش ساسانی را ترسیم کرده است.<sup>۲</sup> علاوه بر فرصت شیرازی، دیگر نویسنده همدوره با او یعنی حسن حسینی فسایی مؤلف فارسنامه ناصری نقاشی‌هایی معدود و نسبتاً ساده از برخی از نقوش ساسانی را ترسیم کرده است که از نظر دقت قابل قیاس با نقاشی‌های فرصت شیرازی نیست.<sup>۳</sup>

مطالعه نقوش برجسته ساسانی با ورود گسترده باستان‌شناسان غربی به

---

۱. برای طراحی‌های صورت گرفته توسط سیاحان غربی از نقش برجسته نابود شده شهرری بنگرید به: فون گال، هوبرتوس، جنگ سواران: در هنر ایرانی و هنر متأثر از هنر ایرانی در دوره پارت و ساسانی، ترجمه: فرامرز نجد سمیعی، تهران، نسیم دانش، ۱۳۷۸، ص ۵۰-۴۸ و شکل ۵ و آلبوم عکس‌ها ص ۱۴.

۲. برای طراحی نقوش برجسته ساسانی در کتاب فرصت شیرازی بنگرید به: آثار عجم، ج ۱ و ۲.

۳. بنگرید به: فارسنامه ناصری جلد ۲.

ایران در دوره پهلوی رونق زیادی یافت. با لغو قرارداد انحصاری کاوش‌های باستان‌شناسی با فرانسویان که در عصر قاجار منعقد شده بود، امکان حضور گسترده باستان‌شناسان سایر کشورها در ایران محقق شد؛ باستان‌شناسانی چون: زاره، هرتسفلد، گیرشمن، واندنبرگ، هرمان، گوبل، ترومپلمن، فون گال و دیگران موفق به بررسی میدانی این آثار شدند. برای نخستین بار این نقوش در کتاب‌هایی مانند نقوش برجسته سنگی ایران قدیم و ایران میانه اثر زاره و هرتسفلد در سال ۱۹۱۰م منتشر شد.<sup>۱</sup> هنر پارت و ساسانی اثر گیرشمن کتاب دیگری بود که با ارائه تصاویر با کیفیت اهمیت زیادی در معرفی نقوش دارد. علاوه بر کتاب‌ها، انتشار مقالات متعدد به ویژه از سوی لویی واندنبرگ از اهمیت زیادی در شناخت صحیح ماهیت نقوش برخوردار است. شاید مهمترین ویژگی این مطالعات ابداع روش‌هایی برای تاریخ‌گذاری نقوش و بررسی ماهیت موضوع نمایش داده شده بر آنها است. در این میان مسئله تاریخ‌گذاری زمان ایجاد نقوش بسیار مهم است. پژوهشگران سعی کرده‌اند برای تشخیص هویت پادشاه بر نقش برجسته از شاخصه تاج استفاده کنند؛ از آنجا که پادشاهان ساسانی به طور معمول چندین تاج متفاوت داشته‌اند، و این تاج‌ها بر سر پادشاه و نام او به پهلوی بر سکه‌ها ضرب شده‌اند، دانش سکه‌شناسی و شکل تاج شاه در محدود کردن دوره زمانی پیشنهادی برای نقش برجسته‌ای معین کمک‌های شایانی به تعیین هویت شاهان کرده‌اند. هرچند، شکل تاج گاه می‌توانست منجر به اختلاف نظر نیز شود. برای نمونه صحنه نمایش داده شده بر نقش برجسته دارابگرد صحنه پیروزی شاپور یکم بر امپراتوران رومی است، لیکن تاجی که پادشاه

1. Sarre, Friedrich. und Ernst Herzfeld, 1910. Iranische Felsreliefs: Aufnahmen und Untersuchungen von Denkmaelern aus alt - und mittelpersischer Zeit, Reimer, Berlin

در این صحنه بر سر دارد تاج اردشیر بابکان است. مناقشات بی‌پایانی در انتساب هویت شاه به اردشیر یکم یا شاپور یکم کماکان در جریان است. اگرچه مک‌درموت این حدس را مطرح می‌کند که ولیعهد می‌توانسته است در زمان حیات شاه تاج وی را بر سر گذارد.<sup>۱</sup> نمونه بارز مورد یاد شده بر نقش برجسته سلماس قابل مشاهده است، که شاپور یکم تاجی مشابه تاج پدر بر سر دارد.

شیوه دیگری که در این دوره برای تاریخ‌گذاری رخدادهای نمایش داده شده بر نقوش ساسانی توسط مک‌درموت و بعدها به صورت گسترده‌تر توسط روبرت گوپل مورد استفاده و استناد قرار گرفت،<sup>۲</sup> مقایسه چهره امپراتوران رومی نمایش داده شده بر نقوش ساسانی دوره شاپور یکم با نمونه سکه‌ها و پیکره‌های مرمرین و مفرغی این امپراتوران بود. در این شیوه گوپل موفق به تعیین هویت گردین سوم، فیلیپ عرب و والرین بر نقوش شاپور یکم شد. استفاده از همین شیوه بعدها توسط پژوهشگران سبب شد تا نقش مرد شکست خورده در نقش برجسته اردشیر دوم در طاق بستان کرمانشاه، که پیش از آن به حکمرانی کوشانی منتسب بود، با مقایسه شکل ریش فرد شکست خورده،<sup>۳</sup> با سکه‌های برجای مانده از ژولین مرتد به درستی به این امپراتور رومی منتسب گردد.<sup>۴</sup> بنابراین، در پژوهش‌های صورت گرفته روی نقش برجسته‌های برجای مانده از عصر ساسانی توسط مورخین و

1. Macdermot, B. C, 1954, Roman Emperors in the Sasanian Reliefs, in "The Journal of Roman Studies", Vol. 44, pp76-80

2. Göbl, Robert, 1974. Der Triumph des Sāsāniden Šahpuhr Über die Kaiser Gordianus, Philippus und Valerianus.

۳. ژولین برخلاف دیگر امپراتوران رومی ریشی کشیده دارد.

4. Azarpay, G, 1982. The Role of Mithra in the Investiture and Triumph of Šapūr II, Iranica Antiqua XVII.

باستان‌شناسان تلاش شد به کمک سکه‌شناسی، تمرکز بر نقش مهم تاج در تعیین هویت پادشاه، مقایسهٔ شخصیت‌های نمایش داده شده با نیم‌تنه‌های رومی و یافتن شواهدی از رخدادهای نمایش داده شده بر نقوش در متون تاریخی به درک صحیحی از موضوع نقش برجسته برسند.

متون تاریخی یونانی، رومی، ارمنی، فارسی، و عربی و اطلاعات اندک مندرج در متون پهلوی اهمیت به سزایی در شناخت رخدادهای سیاسی و دینی و وضعیت دربار در عصر ساسانی دارند. به طور معمول نقش برجسته‌های برجای مانده از دورهٔ ساسانی نمایشگر صحنه‌هایی از رخدادهای سیاسی، دینی، و خانوادگی هستند. در روند بررسی این نقوش علاوه بر اهمیت مطالعات تاج و سکه‌شناسی و همچنین مقایسهٔ چهرهٔ امپراتوران رومی بر نقوش ساسانی با پیکره‌ها و سکه‌های این امپراتوران، پژوهشگرانی مانند لوکونین، واندنبرگ و هینتس تلاش کردند تا با تمرکز بر نشان‌های حک شده بر کلاه درباریان و بر تن‌پوش اسب‌ها، روش جدیدی برای تعیین هویت شخصیت‌های نمایش داده شده بر نقش برجسته‌ها ایجاد کنند. آنچه مسلم است تداوم مطالعه بر نقش برجسته‌های ساسانی نیازمند روش‌های جدید و از همه مهمتر ابزار جدیدی برای مطالعه آثار یاد شده است. به نظر می‌رسد بغداد از گذشت چندین دهه از مطالعه نقوش ساسانی توسط پژوهشگران عمدتاً غربی، زمان بررسی آن نقوش با ابزار مطالعاتی جدید توسط پژوهشگران فراهم شده است. یکی از این ابزارهای مطالعاتی «نشان‌شناسی» (heraldry) است. با توجه به فراوانی نسبی نشان‌های برجای مانده از عصر ساسانی که بر نقش برجسته‌های اوایل دوره حجاری شده، و با بررسی مهرها و گِل مهرهای برجای مانده از دورهٔ ساسانی می‌توان دامنه استفاده از این نشان‌ها را بر این آثار نیز پیگیری کرد. هرچند، برخی از این

نشان‌ها بر سکه‌های اشکانی و ساسانی نیز ضرب شده‌اند. بررسی گل مهرها می‌تواند نمونه‌های جدیدی از نشان‌ها را به سیاهه واندنبرگ که جلوتر آورده خواهد شد اضافه کند. برای مثال نشان  بر مهر شماره ۶۱۸ مکشوفه از تخت سلیمان نقش شده است.<sup>۱</sup> با توجه به شناخت نسبی پژوهشگران غربی با مبحث نشان‌شناسی، آنها اقدام به بررسی تطبیقی نشان‌های یاد شده بر نقوش ساسانی کرده‌اند. اما مشکل اینجاست که در ترجمه فارسی این آثار، نه مترجم و نه خواننده تاریخ ایران باستان شناخت دقیقی از سامانه نشان‌شناسانه نداشته‌اند. این امر سبب شد که گاه حتی در ترجمه‌ها نیز واژگان به کار رفته عملاً برابری درستی نداشته باشند. به طور کلی در بررسی دقیق صورت گرفته توسط لویی واندنبرگ باستان‌شناس بلژیکی تا کنون ۱۵ نشان روی نقش برجسته‌های برجای مانده از دوره ساسانی معرفی شده‌اند.<sup>۲</sup> جدول صفحه بعد این نشان‌ها و اینکه بر کدام نقش برجسته ساسانی آمده‌اند را دسته‌بندی کرده است.

---

۱. گوبل، روبرت، گل مهرهای تخت سلیمان: جستاری در مهر شناسی اواخر ساسانی، ترجمه: فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳ و ۲۹۷ و ۳۰۰.

2. Vanden Berghe, Louis, 1984. Reliefs Rupestres de l'Iran Ancien, fig. 12

در صفحات آتی استدلال خواهد شد که نشان‌های ۱۰ و ۱۱ در جدول واندنبرگ در واقع یک نشان واحد هستند. نشان‌های ۲ و ۳ جدول واندنبرگ نیز دو طرح متفاوت از نشان دیهیم هستند. همین منوال برای نشان‌های ۷ و ۸ جدول واندنبرگ نیز برقرار است. در اینجا هر دو طراحی ارائه شده توسط واندنبرگ آورده شده‌اند. (رضا کلانی)

| شماره | نشان                                                                                                                                                                   | مکان نقش برجسته | شرح مجلس                                 |
|-------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|------------------------------------------|
| ۱     |                                                                                       | فیروزآباد ۱     | پیروزی اردشیر یکم بر اردوان<br>چهارم     |
|       |                                                                                                                                                                        | نقش رستم ۱      | تاجگیری سواره                            |
| ۲     | <br> | فیروزآباد ۱     | پیروزی اردشیر یکم بر اردوان<br>چهارم     |
|       |                                                                                                                                                                        | طاق بستان ۴     | خسرو دوم سوار بر اسب                     |
| ۳     |                                                                                       | نقش رستم ۲      | بهرام دوم در جمع خانواده و<br>درباریان   |
| ۴     |                                                                                       | نقش رستم ۲      | بهرام دوم در جمع خانواده و<br>درباریان   |
| ۵     |                                                                                       | نقش رستم ۲      | بهرام دوم در جمع خانواده و<br>درباریان   |
| ۶     |                                                                                       | فیروزآباد ۲     | تاجگیری اردشیر یکم                       |
|       |                                                                                                                                                                        | فیروزآباد ۱     | پیروزی اردشیر یکم بر اردوان<br>چهارم     |
|       |                                                                                       | نقش رجب ۳       | تاجگیری اردشیر یکم                       |
|       |                                                                                                                                                                        | نقش رجب ۱       | شاپور یکم سوار بر اسب در<br>جمع درباریان |
| ۷     |                                                                                     | نقش رجب ۱       | شاپور یکم سوار بر اسب در<br>جمع درباریان |
| ۸     |                                                                                     | فیروزآباد ۱     | پیروزی اردشیر یکم بر اردوان<br>چهارم     |
|       |                                                                                                                                                                        | نقش رجب ۳       | تاجگیری اردشیر یکم                       |

|                                         |            |                                                                                   |    |
|-----------------------------------------|------------|-----------------------------------------------------------------------------------|----|
| تاجگیری سواری اردشیر یکم                | نقش رستم ۱ |  |    |
| جنگ سواری هرمزد دوم                     | نقش رستم ۴ |                                                                                   |    |
| بهرام دوم در جمع درباریان               | سراب بهرام |  | ۹  |
| پیروزی شاپور یکم بر رومیان <sup>۱</sup> | بیشاپور ۳  |  | ۱۰ |
| شاپور یکم سوار بر اسب در جمع درباریان   | نقش رجب ۱  |  | ۱۱ |
| بهرام دوم و افراد خانواده و درباریان    | نقش رستم ۲ |  | ۱۲ |
| پیروزی شاپور یکم بر رومیان              | نقش رستم ۶ |                                                                                   |    |
| بهرام دوم در جمع درباریان               | سراب بهرام |                                                                                   |    |
| نبرد بهرام دوم با شیر                   | سر مشهد    |                                                                                   |    |

از حدود ۳۸ نقش برجسته برجای مانده از دوره ساسانی تعداد قابل توجهی از این نقوش مربوط به ۸۵ سال نخستین عصر یاد شده است. این نقوش عمدتاً در دوره نخستین شاهان سلسله ساسانی یعنی اردشیر بابکان، شاپور یکم، بهرام یکم، بهرام دوم، و هرمزد دوم (مجموعاً بین سالهای ۳۰۹-۲۲۴م) کنده شده‌اند. روی نقوش این دوره می‌توان افرادی را دید که

۱. بیشتر به تزیین کلاه مانند است تا نشان (رضا کلانی)

در رخداد تاریخی بازنمایی شده روی هر نقش تاثیرگذار بوده‌اند، و برای تفکیک آنها از دیگر درباریان دارای نشان هستند. این احتمال وجود دارد با جستجوی دقیق‌تر و تهیه عکس‌های واضح‌تر از تک‌تک افراد حاضر در مجالس نقش‌برجسته‌ها نشان‌های جدیدی کشف شوند. برای نمونه، والتر هینتس به کمک دوربینی مجهز موفق شد نشان قیچی کرتیر را بر گوشه سمت چپ نقش‌برجسته بهرام دوم در جمع درباریان و بالای طره موی آخرین فرد، که هینتس او را نرسی عموی بهرام دوم تشخیص داده است، کشف کند.<sup>۱</sup> این نشان با چشم غیرمسلح قابل مشاهده نیست و هینتس معتقد است این نشان بیانگر این است که یا کرتیر گروه نمایش داده شده بر نقش را گرد آورده، یا بانی نقش او بوده است.

چنانکه در ادامه کتاب حاضر روشن خواهد شد، به نظر می‌آید در بخشی از تاریخ ایران باستان از حدود اواخر عهد اتحادیه پارتی تا اواسط عصر ساسانی نوعی سامانه نشان‌شناسانه در ایران شکل گرفته بود. اما نشان‌ها به طور رسمی در حدود سده دوازدهم میلادی و به طور شگفت‌انگیزی همزمان در دو گستره جغرافیایی بسیار دور از هم یعنی ژاپن و اروپا به وجود آمدند.

در اروپا نشان‌ها از نیاز برای تشخیص شوالیه‌هایی که تعیین هویت آنها به خاطر زره‌هایشان دشوار بود بالیدن گرفت. نیاز به تعیین هویت شوالیه‌ای

---

۱. هینتس، والتر، یافته‌های تازه از ایران باستان، ترجمه: پرویز رجبی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۷، ص ۲۶۴، لوح ۱۲۲؛ قابل ذکر است در چاپ فارسی کتاب هینتس و در تصاویر سیاه و سفید این اثر نشان قیچی را نمی‌توان بر گوشه نقش‌برجسته یاد شده تشخیص داد، لذا برای تصویر رنگی و با کیفیت این نشان بر نقش‌برجسته بهرام دوم بنگرید به: شهبازی، علیرضا شاپور، راهنمای مستند نقش رستم فارس، تهران، سفیران، ۱۳۹۳، ص ۲۰۱.

که از سر تا پا در زره بود، به گونه‌ای که حتی صورت او نیز با نقابی پولادین از نظرها پنهان شده بود، نیاز به راهی برای شناسایی هویت وی را پیش کشید. بخشی از اساس تاریخی شکل‌گیری و به کار بستن نشان‌ها به دوران جنگ‌های صلیبی نسبت داده شده است. در آن عصر «شوالیه‌ها» و صاحب‌منصبان روی زره‌های خود روپوش‌هایی بلند می‌پوشیدند که به مرور تبدیل به یکی از خاستگاه‌های تاریخی نشان‌های خاصی شدند که حدوداً از میانه قرن دوازدهم میلادی نجبا و خانواده‌های ایشان شروع به استفاده از آنها کردند.<sup>۱</sup> در ژاپن نیز نخستین بار در اواخر سده دوازدهم میلادی، هنگامی که جنگ در ژاپن خاندان‌های مختلف را کاملاً درگیر کرده بود، جنگجویان در میدان نبرد برای بازنمایی هویتشان نشان‌ها را به کار گرفتند. مردانی که زره‌ها هویتشان را کاملاً پنهان کرده بودند از نشان‌ها استفاده می‌کردند تا یارانشان اشتباهی به آنها حمله نکنند، و اگر عمل قهرمانانه‌ای از آنها سر زد هویتشان آشکار شود. در واقع، تشابهات بی‌شماری میان نشان‌های خانوادگی در اروپا و ژاپن وجود دارد.<sup>۲</sup> اثر پیش رو که توسط رضا کلانی تألیف شده، نمونه‌ای از تلاشی ارزشمند است که در آن با تأکید بر نقش تعیین‌کننده نشان‌های نمایش داده شده بر نقوش ساسانی، دیدگاه جدیدی در شناسایی شخصیت‌های ساسانی بر اولین نقش برجسته بزرگ، یعنی نقش اردشیر بابکان در جنگ سواران فیروزآباد، مطرح شود. در ذیل به شاخصه‌هایی از پژوهش پیش‌رو پرداخته خواهد شد ...

تأکید بر نقش تعیین‌کننده نشان‌ها بر نقوش ساسانی و تطبیق آنها با سکه‌های سلسله گندوفارهای هندوپارتی می‌تواند پایه‌گذار تجدید نظر

۱. کلانی، رضا، مقدمه‌ای بر تاریخ و مبانی نشان‌شناسی، تهران، عصر نوین، ۱۳۹۴، ص ۷.

۲. دونر، جان دبلیو، نشان‌های نمادین ژاپن، ترجمه: سحر قدیمی، تهران، فضا، ۱۳۹۰، ص ۱۱.

اساسی در بازشناسی یکی از افراد حاضر در نقش‌برجسته‌های اردشیر یکم باشد. چنانکه ذکر شد ابزارهای جدید مطالعه نقوش و به ویژه سامانه نشان‌شناسانه می‌تواند سبب تجدید نظر در فرضیات پیشین گردد. برای نمونه، فرد بی‌ریش با نشان  بر نقوش اردشیر بابکان که قبلاً ساده‌انگارانه ملازم یا مستخدم معرفی شده بود را می‌توان نماینده یکی از خاندان‌های بزرگ این دوره یعنی سورن و متحد ساسانیان در تشکیل سلسله قلمداد کرد.<sup>۱</sup> این شیوه می‌تواند سبب راستی‌آزمایی متون تاریخی نیز گردد. مثلاً طبری دو شرح متفاوت و متضاد از جنگ اردشیر بابکان با اردوان چهارم در دشت هرمزدگان ارائه می‌دهد که در یک روایت شاپور به عنوان جوانی بالغ در میدان جنگ حضور دارد و وزیر اردوان را به قتل می‌رساند، و در روایتی دیگر پس از تأسیس سلسله ساسانی شاپور حاصل ازدواج اردشیر با دختر اردوان شاه اشکانی قلمداد می‌شود.

به طور معمول مورخان و باستان‌شناسان روایت اول طبری را با صحنه‌های نمایش داده شده بر نقش جنگ سواران فیروزآباد مقایسه کرده و حضور شاپور (سوار دوم) در این جنگ را مهر تأییدی بر روایت اول طبری می‌دانند. در ادامه این تشخیص ملاکی برای تعیین هویت یکی از افراد بر نقش‌برجسته‌های اردشیر بابکان در فیروزآباد و نقش رجب به عنوان شاپور یکم شد.

حال سنوال اینست که آیا امکان تطبیق و راستی‌آزمایی روایت دوم طبری با نقوش برجسته وجود دارد؟ بررسی‌های صورت گرفته در پژوهشی که در

۱. برای یکی از آثار فارسی درباره خاندان‌های حکومتگر در ایران باستان بنگرید به: مهرآبادی، میترا، خاندان‌های حکومتگر ایران باستان، با مقدمه محمدجواد مشکور و احسان اشراقی، انتشارات فتحی، تهران، ۱۳۷۲.